

جایگاه مشارکت زنان در مدیریت روستایی در قوانین بالا دستی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر توسعه

پایدار روستایی

امید غلامی¹؛ طاهره امانی²؛ ابراهیم عمادی³

محل کار: آموزش و پرورش جلگه رخ

آدرس: خراسان رضوی - تربت حیدریه - چهارراه سلمان - سلمان 10

Gholamiomid25@yahoo.com

چکیده:

یکی از شرایط لازم برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی مشارکت زنان روستایی در سطح مدیریت روستا می باشد. برای دستیابی به مشارکت بالای زنان در مدیریت روستاها نیاز به یکسری پیش شرط ها می باشد یکی از این پیش شرط ها قوانین بالادستی در هر کشوری می باشد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و مطالعه کتابخانه ای به بررسی جایگاه مشارکت زنان در قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی، قوانین شوراها و قانون دهیاری ها) پرداخته شده است. در بررسی های صورت گرفته مشخص شد میزان توجه به مسئله مشارکت زنان در قانون اساسی و قوانین شوراها کافی و در قانون دهیاری ها کافی نمی باشد و از لحاظ قانونی شرایط برای مشارکت زنان تقریبا مساعد می باشد و باید ریشه مشارکت پایین زنان را در مسائل دیگر مانند مسائل عرفی، اجتماعی، فرهنگی و.... جستجو نمود. در ادامه نیز چند راهکار برای افزایش مشارکت زنان در سطوح مختلف مدیریت روستایی ایران ارائه شده است.

کلید واژه ها: توسعه پایدار روستایی، مشارکت زنان، مدیریت روستا، قوانین بالادستی

¹- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری از دانشگاه حکیم سبزواری و دبیر جغرافیا
²- لیسانس تربیت بدنی و دبیر تربیت بدنی آموزش و پرورش شهرستان رشتخوار
³- کارشناس ارشد تاریخ و دبیر تاریخ آموزش و پرورش شهرستان تربت حیدریه

مقدمه

یکی از مسائلی که جوامع در حال توسعه و توسعه یافته امروزه با آن مواجه می باشند و برای آنها بسیار مهم می باشد مسئله توسعه پایدار و یکی از مهمترین شاخه های آن یعنی توسعه پایدار روستایی است که می تواند راهگشای جامعه در رسیدن به توسعه پایدار در تمام سطوح باشد. نشست سران زمین برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه به چند مؤلفه اساسی را در دستور کار خود قرار داده اند که انسان در رأس آنها قرار دارد؛ این مؤلفه ها عبارتند از: 1- انسان (تأکید بر رفتار اجتماعات محلی) 2 - محیط زیست (شامل عناصر بوم شناختی پایه) 3- زنان (به مثابه نیمی از جمعیت) 4- کودکان و نوجوانان (به مثابه تصمیم گیرندگان آینده جامعه) 5- فرهنگ (شامل نگرش، رفتار، و ارزشهای معنوی) 6- آموزش (فرآیندهای توانمندسازی و...) 7- امنیت (اجتماعی، غذایی و...) 8- مشارکت (در تصمیمگیری، اجرا، نظارت، و منافع) همگی این عناصر در شکل گیری توسعه پایدار و استمرار آن نقش اساسی دارند. (کریم و همکاران، 162:1388) همانطور که مشخص است توجه به دو مولفه زنان و مشارکت در شکل گیری توسعه پایدار و استمرار آن از عوامل اصلی هستند. این دو مولفه در شکل گیری توسعه پایدار روستایی نیز می تواند بسیار راهگشا باشد. وجود مشارکت زنان در مدیریت روستایی به عنوان نیمی از جمعیت روستایی ((در نقاط روستایی در مجموع 21446783 نفر ساکن می باشند که 49.4 درصد از این جمعیت را زنان تشکیل می دهند. (ریاست جمهوری، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران، 1391)) نیز می تواند در دست یابی به توسعه پایدار تاثیر گذار باشد. مدیریت نواحی روستایی یکی از مهمترین اجزای دست یابی به توسعه پایدار در سطح ملی است که بدون بهره گیری از شیوه های مدیریتی توانمند و کارآمد میسر نخواهد شد. (فرجی و همکاران، 2577:1392) مدیریت خردمندانانه سکونتگاههای روستایی بر پایه خرد جمعی و مشارکت واقعی همه ذی نفعان در راستای توسعه و پیشرفت پایدار از اهمیت بسزایی برخوردار است. (فرجی و همکاران، 264:1392) مشارکت زنان در مدیریت روستایی به عنوان یکی از ذی نفعان دارای اهمیت می باشد. برای رسیدن به مشارکت موثر زنان در مدیریت روستایی که جامعه را در رسیدن به توسعه پایدار یاری نماید نیاز به یکسری قوانین می باشد که زمینه ورود زنان به عرصه مدیریت روستایی و مشارکت سازنده آنها را فراهم نماید. جامعه ایرانی هم در مسیر رسیدن به مشارکت سازنده زنان در مدیریت روستا و حرکت به سمت توسعه پایدار نیازمند قوانینی می باشد که در آن شرایط ورود زنان به این

عرصه فراهم شده باشد. در این پژوهش از این قوانین با عنوان اسناد بالادستی یاد شده است. در این پژوهش ما به چند سوال می خواهیم پاسخ بدهیم:

- 1- آیا در قوانین بالا دستی جمهوری اسلامی ایران به مسئله مشارکت زنان در مدیریت روستایی پرداخته شده است؟
- 2- اگر به مسئله مشارکت زنان پرداخته شده است آیا این توجه کافی بوده است؟
- 3- چه راهکارهایی برای افزایش مشارکت زنان در مدیریت روستایی وجود دارد؟

در این پژوهش توصیفی برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و مقالات علمی پژوهشی استفاده شده است.

پیشینه:

درباره موضوع مورد بحث و مشابه با موضوع جایگاه مشارکت زنان در مدیریت روستایی در قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر توسعه پایدار در ایران و نقاط مختلف جهان پژوهش های گوناگونی انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

فلاحی گیلانی و همکاران در پژوهشی با عنوان (جایگاه مشارکت شهروندان در اسناد بالا دستی) با توجه به اینکه پیش شرط هایی برای تحقق مشارکت شهروندان لازم می باشد به بررسی ظرفیت ها و کاستی های قوانین در حوزه مشارکت شهروندان پرداخته است.

اکبری در پژوهشی با عنوان (مکانیزمهای مشارکت سیاسی در قانون اساسی) به تبیین جایگاه مشارکت سیاسی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیان مکانیزمهای موجود در این قانون برای حضور مردم در عرصه های سیاسی مشارکت جویانه پرداخته است.

رضوی در مقاله ای با عنوان (تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران) به بررسی جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه ی سیاسی - اجتماعی جامعه ی ایران در دوره ی 30 ساله ی انقلاب اسلامی پرداخته است. نتایج تحقیق مبین این نکته است که در دوره ی انقلاب اسلامی ، حضور و مشارکت زنان در رده های مدیریت به ویژه

مدیریت های میانی و خرد چشمگیرتر شده است. ورود زنان به رده های بالایی سازمانی دارای موانع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عرفی و سلیقه ای است. با وجود این که تعداد زنان متخصص در جامعه و نیروی کار افزایش یافته است، اما پیشرفت آن ها در مشاغل تصمیم گیری و سیاستگذاری چندان محسوس نبوده است. پژوهش نشان می دهد مدیریت آینده نیازمند استفاده ی بیشتر و کارآمدتر از نیروی بالقوه ی زنان در سطوح کلان مدیریت جامعه است.

خسروی پور و همکاران در پژوهشی با عنوان (مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی) با استفاده از روش کتابخانه ای و استفاده از منابع اینترنتی ضمن بررسی نقش و جایگاه مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی، راهکارهای لازم را در خصوص تقویت مشارکت زنان در تمامی زمینه های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی ارائه نمایند.

بحث:

توسعه پایدار و توسعه پایدار روستایی

وقتی از توسعه پایدار صحبت می شود، منظور توسعه ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه جانبه آن می نگرد. توسعه پایدار با تمام زنجیره ها، فرایندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت افزاری جامعه در یک شکل تعاملی است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل هاست. (موسایی و

همکاران، 210:1388)

بر اساس گزارش کمیته برانت لند توسعه پایدار عبارت است از ((توسعه ای که نیازهای کنونی جهان را تامین کند بدون اینکه توانایی نسل های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند.)) به تعبیر سازمان بهره وری آسیا، توسعه پایدار راهبردی است برای ارتقای بهره وری و عملکرد زیست محیطی در راستای ((توسعه همه جانبه)) اجتماعی و اقتصادی و هدف آن ارتقای

مستمر کیفیت زندگی انسان است. (کریم و همکاران، 157:1388)

توسعه پایدار روستایی رهیافتی برای توسعه است که در آن کارایی، عدالت و پایداری با هم تلفیق شده اند. به گونه ای که کارایی متضمن استفاده بهینه از منابع، عدالت متضمن فقر زدایی و کاهش شکاف بین فقرا و ثروتمندان و هدف از پایداری نیز پایداری معیشت با حفظ امرار معاش آینده از طریق حفظ منابع طبیعی باشد. (کریم و همکاران، 1388:161)

مدیریت و مدیریت روستایی

مدیریت، مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. (فرجی و همکاران، 1392:258) موضوع اندیشه اداری و دانش مدیریت و به خصوص هدایت و رهبری موضوعی است که همواره با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است. (حقیقی، 1378:5) قبل از پیدایش مفهوم مدیریت بیشتر از اداره و اداره امور استفاده می کردند که وظیفه ای محدودتر و کم دامنه تر از مدیریت دارد گذر از اداره امور به مدیریت به معنای ایجاد تغییر عمده از جنبه تئوری و عملکردی می باشد. (هیوز، 1377:8) مدیریت کردن علاوه بر وظیفه اداره کردن، وظیفه تدوین اهداف سیاستگذاری ها و راه دست یابی به آن ها (استراتژی ها) و هدایت و رهبری را نیز در بر می گیرد. (کامروا و همکاران، 1391:20) در عین حال مدیریت، روش دستیابی به اهدافی می باشد که برای سازمان در نظر گرفته شده است. لیکن برای ارائه تعریف جامع می توان گفت که مدیریت "به کار کردن با افراد و گروهها برای رسیدن به مقاصد سازمان" گفته می شود (سعیدنیا، 1383:10)

امروزه مدیریت روستایی به عنوان فرایند سازمان دهی و هدایت جامعه روستایی از طریق شکل دهی به سازمان ها و نهادهای

دست اندر کار در اداره مناطق روستایی شناخته می شود. (فرجی و همکاران، 1392:264)

مشارکت

از اواخر دهه 1950، مفهوم "مشارکت" و "توسعه مشارکتی" به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شد. در آن زمان دو مشکل اساسی در طرح های توسعه، برنامه ریزان و سیاستگذاران را به ارزیابی مجدد و بازنگری این قبیل برنامه ها واداشت. شکست این برنامه در دستیابی به اهداف خود، این تصور را تقویت کرد که فقدان مشارکت های مردمی

در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه ها، زمینه ناکامی آن ها را فراهم کرده است. از سوی دیگر، طرح های توسعه پیش از آن که در خدمت فقرا و محرومان - که گروه های هدف محسوب می شدند - باشد، به تشدید نابرابری و فقر دامن زده است. (غفاری و همکاران، 1390:27)

مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری در باره امور عمومی است.

مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (عبدالله پور و همکاران، 1392:159)

نگاهی استقرایی به الگوهای موجود در مشارکت در جهان نشان می دهد که می توان این الگوها را بر حسب سه معیار متفاوت طبقه بندی کرد: بر حسب مشارکت، بر حسب زمینه مشارکت و بر حسب سازماندهی مشارکت (غفاری و همکاران، 1392:39). بر حسب نوع مشارکتی که افراد در یک الگو دارند و در واقع برحسب بخشی از انجام فعالیت که در آن سهم می شوند، می توان سه الگوی مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرها و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای انجام یک فعالیت خاص را از یکدیگر متمایز ساخت. (عبدالله پور و همکاران، 1392:159)

اسناد بالادستی

مهمترین اسناد بالادستی پیرامون مدیریت روستاهای ایران که ساختار مدیریت روستایی در ایران باید مطابق با این قوانین حرکت نماید و میزان مشارکت تمام اقشار جامعه روستایی در آن تعیین شده به این صورت است:

1- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

2- قوانین شوراها مصوب 1375

3- قانون دهیاری ها

مهمترین مواردی که در این اسناد پیرامون مشارکت اقشار مختلف جامعه می باشد به شکل زیر است:

1- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی به یک سند حقوقی اطلاق می شود که منشور وفاق ملی و چارچوب روابط و حقوق و وظایف متقابل میان حکومت کنندگان و حکومت شوندهگان در معنای عام آن را به صورت عینی و الزام آور تعیین می نماید. (فلاحی گیلانی و

همکاران، 1388:7)

اصول کلی قانون اساسی

مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش - تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون -

اصل ششم - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل پنجاه و نهم - در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل یکصدم - برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم باتوجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا،بخش ، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده ،بخش ، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند.(متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

2- قوانین شوراها مصوب 1375

ماده 17 (اصلاحی 1382/7/6) انتخاب اعضای شورای روستا و شهر به صورت مستقیم ، با رای مخفی و اکثریت نسبی آراء خواهد بود.

ماده 18- در هر نوبت انتخابات هر شخص واجد شرایط حق دارد فقط یک بار در یک شعبه اخذ رای با ارائه شناسنامه رای دهد.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

ماده 25- انتخاب کنندگان باید دارای شرایط زیر باشند:

تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران - حداقل سن 18 سال تمام در روز اخذ رای - سکونت حداقل یک سال در محل اخذ رای به استثنای شهرهای بالای یک صد هزار نفر جمعیت.

انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران - حداقل سن 25 سال تمام - اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه - ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار ، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای

شورای شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت ، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت - دارا بودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان.

ماده 19 وظایف و اختیارات کلی:

برنامه ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت و هماهنگی مراجع ذیربط

ایجاد روحیه همکاری مردم با مسئولان کشوری در جهت تداوم انقلاب اسلامی

شوراها می توانند با هماهنگی ارگانهای اجرایی مسئول به تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشاد و تأسیس تعاونی های تولید، توزیع، مصرف با مشارکت مردم در حوزه فعالیت خود اقدام نمایند.

ج (اصلاحی 1382/7/6) تشکیل گردهمایی عمومی جهت ارائه گزارش کار و دریافت پیشنهادها و پاسخ به سوالات و جلب مشارکت و خودیاری مردم برای پیشبرد امور روستا حداقل دو بار در سال و با پانزده روز اعلام قبلی.

ک - ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیتهای تولیدی وزارت خانه ها و سازمانهای دولتی.

ل (اصلاحی 1389/4/20) فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسعه نهادهای مدنی، کتابخانه ، مراکز فرهنگی ، بهبود و ارتقاء فرهنگی اقشار مختلف بویژه جوانان و بانوان و برنامه ریزی در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی ، سوادآموزی، تهیه جغرافیای تاریخی و شناسنامه روستا و دانش بومی و سایر امور با موافقت و هماهنگی مراجع ذیربط.

ن (الحاقی 1382/7/6) ایجاد زمینه مناسب برای توسعه اشتغال و جلب مشارکت های عمومی در جهت گسترش فعالیت های تولیدی.

(قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب 1375) با اصلاحات و الحاقات
بعدی))

3- قوانین دهیاری ها:

ماده 5- دهیار طبق بند (م) ماده 68 قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب 1375 (که در این اساسنامه قانون شوراها نامیده می شود) برای مدت چهار سال توسط شورا انتخاب و برای صدور حکم به بخشدار معرفی می شود و انتخاب مجدد وی بلامانع است. (اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری ها)

در اسناد بالا دستی جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی خط دهنده و تعیین کننده دیگر قوانین می باشد. در قانون اساسی در قسمت اصول کلی صراحتاً به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود در تمامی حیطه ها تاکید می شود. در دیگر قسمت های قانون که مرتبط با مشارکت می باشد نیز به حقوق برابر و یکسان همه اقشار جامعه تاکید شده است. پس توجه قانون اساسی به مشارکت تمام اقشار در حیطه های مختلف کافی می باشد و دست قانونگذار را در تدوین دیگر قوانین باز گذاشته است.

قوانین شوراها (مصوب 1375) یکی از مهمترین اسنادی است که زمینه مشارکت مردم روستا را در تعیین سرنوشت خود و مدیریت روستای خویش باز گذاشته است. در ماده 17 این قانون به رای مستقیم تمام افراد روستا چه مرد و چه زن تاکید شده و تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد و رای همه دارای ارزش یکسان می باشد. شرایط انتخاب کنندگان سن، تابعیت و سکونت می باشد که این شروط نیز برای همه یکسان است و تفاوتی بین افراد وجود ندارد. همچنین شرایط کاندید شدن برای مردان و زنان یکسان بوده و همه می توانند ثبت نام کنند. در قسمت وظایف و اختیارات شوراها نیز بیان شده است که اعضای شورا باید زمینه مشارکت مردم در حیطه های مختلف را فراهم نمایند.

در قانون دهیاری ها تنها زمینه مشارکت مردم در مدیریت روستا انتخاب دهیار آن هم به طور غیر مستقیم از طرف اعضای شورا می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به مطالبی که بیان شد مشارکت و زنان دو مولفه مهم برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی می باشد و مشارکت زنان در سطح مدیریت روستایی که ترکیبی از دو مولفه مذکور می باشد برای دستیابی به توسعه پایدار باید بسیار گستره تر در سطح جامعه روستایی اجرا شود. همانگونه که بیان شد برای دستیابی به مشارکت زنان در سطح مدیریت روستایی نیازمند یکسری پیش شرط ها می باشیم که یکی از مهمترین این پیش شرط ها قوانین بالا دستی در هر کشوری که مرتبط با مدیریت روستاها می باشد. در مورد جایگاه مشارکت زنان در اسناد بالادستی مرتبط با مدیریت روستایی در ایران می توان اینگونه نتیجه گیری نمود و این ادعا را مطرح کرد که در قانون اساسی و قانون شوراها که یکی به طور غیر مستقیم و دیگری به شکل مستقیم مرتبط با مدیریت روستایی در ایران می باشد. میزان توجه به مسئله مشارکت زنان برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی کافی است. البته در شرایطی که این قوانین به درستی اجرا شوند. اما در قانون دهیاری ها میزان توجه به مشارکت اقشار جامعه روستایی بسیار کم و به طور غیر مستقیم می باشد.

همانگونه که ذکر شد قانون یکی از پیش شرط های لازم برای افزایش مشارکت زنان در سطح مدیریت روستا می باشد و به هیچ عنوان شرط کامل نمی باشد همانطور که در نتیجه گیری بیان شد که جایگاه مشارکت زنان در قوانین بالا دستی مرتبط با مدیریت روستایی تقریبا خوب و در ظاهر امر کافی به نظر می آید. اما دلایل حضور کم رنگ زنان روستایی در حوزه مدیریت روستا را در کجا باید جست دلایل این امر را باید در یکسری مسائل دیگر جستجو نمود که می توان آنها را بدین شرح بیان نمود:

1) اجرا نشدن قوانین به شکل صحیح آن

2) عدم تمایل زنان روستایی به حضور موثر و فعال در سطح مدیریت روستایی

3) مشکلات و مسائل فرهنگی حاکم بر جامعه روستایی و اینکه زنان فقط باید امور منزل را اداره نمایند

4) بی سوادی زنان روستایی

5) وجود نگاه جنسیتی نسبت به زنان از طرف جنس مخالف که اجازه حضور فعال زنان در این حوزه را نمی دهد

و.....

برای پاسخ گفتن به این سوال که دقیقا کدام عوامل بیشتر در پایین بودن میزان مشارکت زنان در مدیریت روستایی دخیل می باشد نیاز به پژوهشی دیگر می باشد و از حوصله و حیطه این بحث خارج می باشد و این دلایل نیز از دیدگاه خود محققین می باشد.

برای رسیدن به سطح بالای مشارکت زنان در مدیریت روستایی یکسری راهکارها می توان پیشنهاد نمود که به شرح زیر می توان دسته بندی نمود:

- 1) نظارت بیشتر بر اجرای صحیح قانون از سوی مسئولین دولتی و محلی
- 2) آموزش زنان روستایی برای حضور فعال تر در سطوح مختلف مدیریت روستاها (شورا، دهیاری) و ایجاد روحیه مشارکت در بین آنها
- 3) آگاه ساختن زنان روستایی از میزان تاثیری که حضور فعال آنها بر توسعه پایدار روستاها می گذارد.
- 4) تلاش برای از بین بردن مشکلات فرهنگی و عرفی حاکم بر روستاها و آگاهی دادن به مردان از تاثیرات حضور فعال زنان در مدیریت روستاها
- 5) رشد سواد آموزی و تحصیلات عالی در بین زنان و دختران روستایی که خود باعث آگاهی بیشتر آنها و حضور فعال تر آنان می شود.

منابع و ماخذ

- 1- فرجی سبکبار، حسن علی و همکاران (1392): شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی شماره سوم، ص 257-280
- 2- کریم، محمد حسن و همکاران (1388): نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش های توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی دهستان ساروق شهرستان اراک)، فصلنامه روستا و توسعه سال دوم شماره 2، ص 155-178
- 3- موسایی، میثم و همکاران (1388): آموزش توسعه ای و توسعه پایدار، راهبرد یاس شماره 18، ص 209-223
- 4- حقیقی، محمد علی (1378): تئوریهای مدیریت، انتشارات نقش مهر
- 5- هیوز آون (1377): مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی، انتشارات مروارید تهران
- 6- کامروا، محمد علی و همکاران (1391): گام هایی برای دست یابی به مدیریت شهری جامع در ایران، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی
- 7- سعیدنیا، احمد (1383): کتاب سبز شهرداری ها مدیریت شهری، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاری های کشور
- 8- غفاری، غلامرضا و همکاران (1390): مشارکت های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت های مردمی)، انتشارات جامعه و فرهنگ
- 9- عبدالله پور، جمال و همکاران (1388): مشارکت پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی شهروندان منطقه 4 شهرداری تهران)، دو فصلنامه مدیریت شهری شماره 31
- 10- فلاحی گیلانی، روح الله و همکاران (1388): جایگاه مشارکت شهروندان در اسناد بالادستی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران دانش شهر شماره 4
- 11- متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با اصلاحات (1368)
- 12- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب 1375 با اصلاحات و الحاقات بعدی

13- ریاست جمهوری ، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ، مرکز آمار ایران(1391): گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

1390، نشر مرکز آمار ایران، دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری های بین الملل

14- اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاریها